هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ نزدهم ۲۲ اسد ۱۳۹۰ ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۳۲ - 13 August 2011

سرمقاله

فساد چالش بزرگ فرا راه توسعهٔ کشور

ص۲

تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان
درک درست واقعیت ها

ص۳

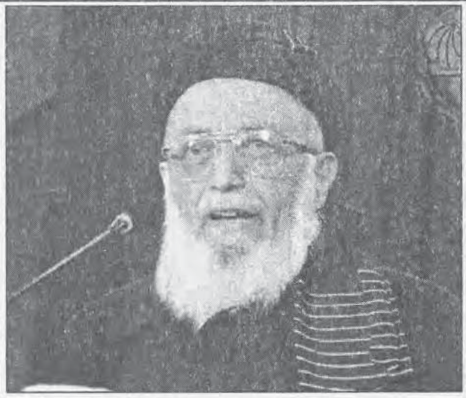
آرزوی ملت افغانستان صلح پایدار و دوامدار در کشور است

اگر جامعه‌ای را که گرفتار بحران، جنگ، نزاع بی امنیتی، فقر، بی‌سوادی و بی‌اعتمادی باشد به انسان مریضی که گرفتار امراض گوناگون است شبیه بدانیم، قبل از اقدام به هر نوع تداوی، لازم است تا امراض او تشخیص گردد که گرفتار چه نوع مرضی است. بعد از تشخیص مرض می توان به تداوی او اقدام کرد. همچنان جامعه ای که گرفتار جنگ، منازعه و بحران های اجتماعی دیگری باشد در قدم اول لازم است تا عوامل منازعه و جنگ و بحران های اجتماعی دیگر، همه ریشه یابی گردد، تا دانسته شود که چه عوامل باعث ایجاد جنگ، بی‌اعتمادی و بحران های اجتماعی دیگر در آن جامعه و کشور گردیده که بعد از تشخیص عوامل جنگ و بحران های اجتماعی دیگر، می توان راه های جلوگیری از جنگ و بی اعتمادیی و بحران ها را جستجو کرد و به اقدام عملی دست یازید.

کشور عزیز ما افغانستان از مدت سالیان درازی است که گرفتار جنگ، اشغال نظامی «توسط اتحاد شوروی سابق» و بی‌اعتمادی، نابسامانی و نا هنجاری فقر و بحران های اجتماعی دیگر بوده است و متآسفانه هنوزهم جنگ در این سر زمین بیداد می کند. آوارگی ها و خانه خرابی ها ادامه می یابد، صدای مدهش سلاح های مخرب جنگ (انتحار و انفجار) در کشور هنوز خاموش نگردیده و از مردم قربانی می گیرد و اگر مساعی هم جهت ایجاد صلح و ثبات از جانب مجامع ملی و بین المللی تا حالا صورت گرفته نتیجهٔ دلخواه و مطلوبی را هنوز به بار نیاورده است. البته که این بدین معنی نخواهد بود که می بایست از مساعی صلح جویانه دست برداشت و به طبل جنگ همچنان نواخت و جنگ را ادامه داد.

زیرا همهٔ ما باور داریم که هر جنگی نهایت آن صلح است و در حقیقت جنگ بزرگترین مصیبت در یک جامعه و کشور بوده که بنیاد جامعه انسانی را متزلزل ساخته و زندگی سر سبز انسان را درو می کند و از انسان مهر و عطوفت انسانی را می تواند برباید. لذا می بایست صادقانه و مخلصانه همه قلم ها و قدم ها در این مسیر بسیج گردد تا چنان صلحی در کشور ایجاد گردد که دیگر جنگی را به دنبال نداشته باشد و طوری نباشد که فقط جاها عوض گردد.

ص۷



استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی در نشست خبری در قندهار:
قتل های زنجیره ای عوامل خارجی دارند

ص۲



ماجرای یک سقوط

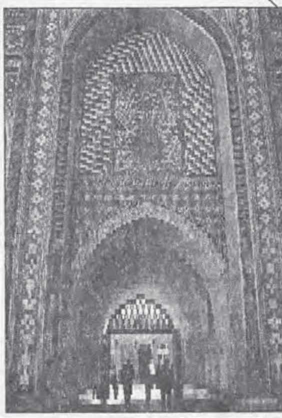
شب شنبه ۶ اگست یک هلیکوپتر امریکائی از نوع شینوک هنگام عملیات در ولسوالی سید آباد در منطقهٔ تنگی – منطقه ای میان لوگر و میدان وردگ- هدف راکت طالبان قرار گرفت و سرنگون شد که در نتیجه سی کماندوی نیروی ویژهٔ امریکا همراه با یک مترجم و هفت سرباز افغان در این ماجرا جان باختند. این گروه از همان قطعهٔ نظامی بودند که در عملیات کشتن اسامه بن لادن در ایبت آباد نقش داشتند و این بار هم سربازان مذکور از یک عملیات نظامی شبانه بر می گشتند که طی آن هشت تن از طالبان را به قتل رسانیده بودند. طالبان می توانند ادعا کنند که انتقام قتل اسامه بن لادن را از قاتلینش گرفتند. این مسئله می تواند برای طالبان بیشتر از یک پیروزی نظامی ارزش داشته باشد و روحیهٔ آنان را تقویت نماید.

قتل اینهمه سرباز در یک حمله در طول ده سال جنگ افغانستان سابقه نداشته است و به همین دلیل این ماجرا انعکاس وسیعی در سطح بین المللی داشت و اوباما و افسران بلند پایهٔ نظامی امریکا به خاطر کشته شدن سربازان دراین واقعه ابراز اندوه فراوان کردند. تاثیرات منفی این واقعه بر ذهن مردم امریکا نیروهای این کشور در افغانستان را بر آن داشت که اندکی بعد از این واقعه اعلام نمایند، طالبانی را که مسوول سقوط این هلیکوپتر بودند در یک حملهٔ هوائی به قتل رسانیده اند اما طالبان این ادعا را رد می کنند.

طالبان مدعی اند که طیارهٔ شینوک را با فیر راکتی که خود شان با تغییر میزان برد آر پی جی هفت ساخته اند، سرنگون کرده اند اما در این رابطه نقاط ابهام فراوان است.

نخست اینکه آر پی جی سلاحی است که برای وسایط زمینی ساخته شده و امکان تغییر

ص۷



فاجعهٔ منحصر به فرد دین ستیزانهٔ دولت تاجیکستان

ص۳

بازنگری و اصلاح مواقف!

ص۵

نگرشی کوتاه بر:
یادداشت های عبدالمجید زابلی، نامه های عبدالقیوم خان و مقالهٔ انجنیر محمد عثمان

فرمان دو لبهٔ رئیس جمهور در مورد پروندهٔ انتخاباتی

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ /۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

فساد چالش بزرگ فرا راه توسعهٔ کشور

فساد اداری و حیف و میل دارایی عامه توسط افراد و موسسات داخلی و خارجی یکی از چالش هایی عمده فرا راه دولت افغانستان است.

از فساد در ادارات دولتی، موسسات، انجوها، کسی چشم پوشی کرده نمی تواند و این عمل غیر مشروع و منافی کشور و مردم، روز تا روز جوانه می زند و ریشه های آن قوت و رشد بیشتر می نماید.

گرچه حکومت در ایجاد ادارات مشابه جهت از بین بردن فساد در کشور، در صدد است تا جلو این پدیدهٔ شوم که سبب بدنامی اش شده است، را بگیرد، اما آگاهان امور بدین باور اند که، دولت از جلوگیری فساد در رده های بلند، ناتوان به نظر می رسد. ایجاد ادارات مشابه خود فساد زا بوده و مردم افغانستان تا حال شاهد مجازات کسانی به جرم فساد و اختلاس نبوده اند. در صورت پیگیری و زندانی شدن افراد پایین رتبه که به ندرت رُخ می دهد و رهایی زودهنگام آن ها، نیز ربط مستقیم به فساد دارد. هرباری هم که صدای کشورهای کمک دهنده، موسسات و گروه های نظارت کنندهٔ خارجی، در ارتباط ؛ فساد در دستگاه دولت بلند شود، نهادهای پیگیری کنندهٔ داخلی، فوراً از چند تن و یا ارگانی نام می گیرند و موضوع را رسانه یی می سازند تا به خورد شهروندان کشور و جامعهٔ جهانی بدهند که دولت افغانستان در مبارزه علیه محو فساد، کوتاهی نمی کند.

جامعهٔ جهانی که تمویل کنندهٔ بخش های مهم به خصوص در عرصهٔ بازسازی می باشد، بارها شکایت از این دارند که دولت افغانستان در جلوگیری از فساد ناکام بوده و کمک های آنها حیف و میل می شود و حتی تهدید به بندش مساعدت های شان نیز کرده اند. اما دولت افغانستان در حالی که فساد در داخل کشور را رد نمی کند، بار کلان آن را به دوش خارجی ها می اندازد.

اخیراً گروه بین المللی بحران که مقر آن در بروکسل می باشد، اعلام کرده است که، پس از ده سال حضور نیروهای نظامی و مستشاران اقتصادی غرب در افغانستان که با هدف کشوری با سیاست های پایدار و اقتصاد با ثبات انجام شد، حال مشاهده می کنیم که این اهداف تحقق نیافته و در واقع این همه تلاش ها شکست خورده اند. اما حکومت افغانستان با رد این ادعا، تنها دریافت ۲۰درصد از همه کمک های جهانی تائید می کند و در حسابدهی هر دلار خود را پاسخگو می داند. حکومت افغانستان مصارفی که از سوی جامعهٔ جهانی صورت می گیرد، غیر شفاف می خواند و مدعی است که این کمک ها مورد سوء استفاده قرار می گیرد.

این در حالیست که، بازرس ویژهٔ امریکا برای بازسازی افغانستان (هربرت ریچاردسون)، آنچه دلیلش را فساد مالی، حیف و میل و عدم شفافیت کمک های امریکا و حتی در اختیار قرار گرفتن برخی این کمک ها به دسترس طالبان، از وظیفه اش استعفا داده است.

همچنان چندی پیش، صندوق جهانی پول، و منابع هنگفت کمک های بانک جهانی به صندوق بازسازی افغانستان را که منبع بزرگ تمویل برنامهٔ همبستگی ملی در کشور است، به تعویق انداخت.

بر مسوولین دولت افغانستان است، با درنظرداشت وضعیت بد اقتصادی کشور و مردم فقیر آن، از کمک ها و توجهٔ جامعهٔ جهانی در شرایط کنونی، استفادهٔ اعظمی بعمل آرد، کوشش شود از این مساعدت ها در زیرساخت های کشور استفاده بعمل آید، این مساعدت ها که متعلق به همه شهروندان کشور است، نگذارد تا حیف و میل و در اثر بی توجهی و فساد باعث فرار کمک ها شود. بلکه با استفادهٔ درست آن، چه خوبست، شاهد توسعه، ترقی، آبادانی کشور و رفاه و آرامش هموطنان مان باشیم.

قسمت دهم

تاریخچه جمعیت اسلامی افغانستان

درک درست واقعیت ها

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

از عملیات مسلحانه در لغمان صحبت شد...
از سوال ها و اعتراضاتی که جمعی از برادران با آن عملیات و چگونگی آن داشتند و برخی از این سوال ها و ایرادها در سطور گذشته به آن اشاره شد و ایراد مهم داکتر عبدالشکور ، حکایه گردید...

اکنون لازم است تا تعداد اشتراک کنندگان در این عملیات مسلحانه، نام گرفته شود:

۱- مولوی حبیب الرحمن فرزند مولوی عبدالحی از قریهٔ بصرام (نزدیک الینگار) و مربوط مرکز ولایت لغمان، استاد فاکولتهٔ شرعیات پوهنتون کابل.

۲- انجنیر عبدالعالم فرزند سید عالم محصل صنف چهارم انستیتوت پولی تخنیک کابل.

۳- عبدالغفور معروف به لالا فرزند حاجی محمد یوسف از مهترلام مرکز ولایت لغمان و برادر داکتر عبدالشکور.

۴- حاجی سمیع الله اسلامیار فرزند حاجی رحیم الله فارغ صنف دوازدهم از قریهٔ ده ملخ مرکز ولایت لغمان.

۵- غلام سخی واثق فرزند محمد هاشم محصل صنف چهارم فاکولتهٔ ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل از قریهٔ بدیع آباد مرکز ولایت لغمان .

۶- عزیز الرحمن فرزند مولوی عبدالحی محصل صنف چهارم فاکولته حقوق علوم سیاسی پوهنتون کابل و برادر مولوی حبیب الرحمن.

۷- فضل الرحمن فرزند مولوی عبدالحی محصل صنف چهارم فاکولته شرعیات پوهنتون کابل برادر مولوی حبیب الرحمن.

۸- گل رحمان فرزند عبدالحنان فارغ دوازدهم لیسهٔ روشن از قریه بصرام و پسرکاکای مولوی حیب الرحمن.

۹- محمد نذیر معلم فرزند شایسته خان، لیسانسهٔ دانشکدهٔ تعلیم و تربیه کابل، از قریه نیازی ولسوالی الینگار ولایت لغمان.

۱۰- عبدالعظیم فرزند تورگل متعلم صنف دوازدهم لیسهٔ روشان از قریه باغمرزای مرکز ولایت لغمان.

۱۱- عبدالقیوم فرزند سلطان محمد فارغ صنف دوازدهم لیسهٔ روشان از قریهٔ چهاردهی مرکز ولایت لغمان.

۱۲- مولوی محمدمیر فرزند عبدالزرین محصل دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل از قریه ملایان مرکز ولایت لغمان.

۱۳- ملا عبدالخلیل فرزند صاحب نور از قریهٔ کاسی گر ولسوالی الیشنگ ولایت لغمان.

۱۴- معلم عبدالستار فرزند محبوب از قریه عمرزایی مرکز ولایت لغمان.

۱۵- معلم سید احمد فرزند غلام جان از قریهٔ عمرزایی مرکز ولایت لغمان.

۱۶-نور الحق فرزند عبدالحق فارغ صنف دوازدهم از قریهٔ عمرزایی مرکز ولایت لغمان.

۱۷- غلام دستگیر (صائم) فرزند محمد هاشم، برادر غلام سخی واثق.

۱۸- محمد هارون(ولایت خان) فارغ صنف دوازدهم از قریهٔ میدانی مرکز ولایت لغمان.

۱۹- عبدالاحد فرزند عبدالکریم فارغ صنف دوازدهم از درهٔ میاصاحب ولسوالی الیشنگ.

۲۰- ملاسحر گل (زلمی) فرزند حاجی ملنگ از قریهٔ بدیع آباد مرکز لغمان.

۲۱- محمد الله فرزند حاجی عبدالرازق فارغ صنف دوازدهم لیسهٔ روشان از قریهٔ چلمتی مرکز ولایت لغمان.

۲۲- محمد قائم فرزند پاینده گل فارغ صنف دوازدهم لیسهٔ روشان از قریهٔ چلمتی مرکز ولایت لغمان.

۲۳- قاری محمد معصوم (حافظ قرآن) فرزند مولوی محمد عالم از مرکز ولایت لغمان.

۲۴- محمد طاهر فرزند محمد قادر از قریهٔ میدانی مرکز ولایت لغمان.

۲۵- جنت گل فرزند عجب گل از قریهٔ گمین مرکز ولایت لغمان.

از برادران یادشده، عزیز الرحمن، غلام دستگیر و محمد هارون، توانستند که پس از عملیات مسلحانه، خود را به مرکز در پشاور برسانند. با کمال تأسف که عزیز الرحمن در همان سال در اثر حادثهٔ ترافیکی در شهر پشاور به شهادت رسید.

اکنون به معرفی کوتاه مولوی حبیب الرحمن، می پردازیم:

مولوی حبیب الرحمن در سال ۱۳۲۵ در بصرام متولد گردید و پدرش توجهٔ کامل را در تربیت اولین فرزندش به کارگرفت. او در سال ۱۳۳۶ هش به مدرسهٔ نجم المدارس ننگرهار فرستاده شد و در آن مدرسه، همواره شاگرد ممتاز صنف خود بود...

او با مطالعه، تحقیق و تعمق دریافت که، قرآن عظیم الشان مجموعه ای از دعاها و درودها و اذکار نیست که فقط برای دعا و تعویذ به کار رود و حتی در عبادات و در نماز، روزه و زکات و حج نیز خلاصه نمی شود. او با مفهوم عبادت به معنی واقعی کلمه، پی برد و آن را خیلی بزرگتر و باعظمت تر از تعارف وعاظ دانست و با مطالعهٔ آثار نویسندگان شهیر اسلام، به علل انحطاط و عقب مانی مسلمان ها و فاصلهٔ ایشان از تعالیم نجات بخش اسلام واقف شد و ملاحظه نمود که چگونه استعمارگران کوشیده اند تا مفهوم دین به خصوص اسلام را در عبادات خلاصه نموده و مذهب را در چهارچوب مساجد زندانی نمایند...

او تنها از وضع مساجد، موعظه ها، انزوای تعالیم اسلامی و وارونه جلوه دادن ارزش های اسلامی توسط وعاظ رسمی و بی اطلاع، رنج نمی برد، بلکه از تمام دردها، محرومیت ها و ناسامانی های اجتماعی، آگاهی داشت...

ادامه دارد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی در نشست خبری در قندهار:

قتل های زنجیره ای، عوامل خارجی دارند

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح که در مراسم تشییع جنازهٔ و فاتحهٔ احمد ولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار و برادر رئیس جمهور کرزی، در کشور حضور نداشتند و در سفری به خارج کشور بودند، به خاطر اتحاف دعا به روح احمد ولی خان کرزی و ابراز تسلیت به خانوادهٔ مرحومی و مردم قندهار، روز یکشنبهٔ هفته گذشته سفری به ولایت قندهار داشتند که بعد از ادای فاتحه، در یک نشست خبری، کشتارهای اخیر در کشور را دخالت دست های خارجی عنوان کرده گفتند، قتل‌های زنجیره ای از کشتن انجنیر عمر تا به قتل رسانیدن جنرال داوود داوود، جنرال سیدخیلی، خان محمد مجاهد، احمد ولی کرزی، غلام حیدر حمیدی، همه عوامل خارجی دارند.

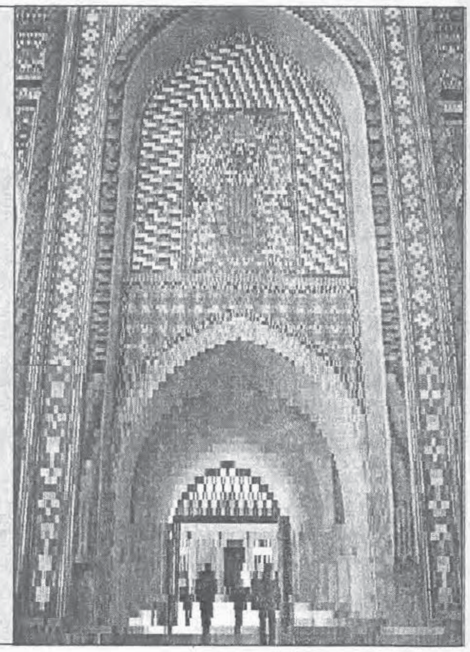
رهبر جمعیت اسلامی افغانستان گفتند، کشتار مقام‌های ارشد دولتی و رهبران قومی به هیچ صورت از عزم راسخ مردم افغانستان در راستای تأمین صلح و ثبات در کشور، جلوگیری کرده نمی‌تواند.

استاد وضعیت فعلی و کشتارهای رهبران قومی را به تاریخ گذشتهٔ قندهار مقایسه نموده گفتند، احمدشاه بابا و میرویس خان نیز در حالت بحرانی، که رهبران قومی شان از سوی مخالفین کشته می شدند، وارد میدان شدند و با تلاش های پیگیر، جلو بیگانگان و و دشمنان مردم افغانستان را گرفتند.

رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان در این نشست خبری، آنانی را که می خواهند بین مردم افغانستان به نام های سمت و منطقه تفرقه ایجاد نمایند، این عمل شان را نکوهش نموده گفتند، تفرقه افگنی به نام شمال و جنوب کار دشمنان مردم افغانستان است. در نزد ما شمال و جنوب و شرق و غرب همه افغانستان واحد است. باید در برابر چنین دسیسه ها که به یقین کار خارجی ها است، مردم ما به منظور جلوگیری آن، یکپارچگی و اتحاد شان را حفظ نمایند تا به خنثی سازی چنین دسیسه ها بینجامد.

رهبر جمعیت اسلامی، خطاب به همه شهروندان افغانستان گفتند، متحد و یکپارچه باشند و به خاطر تحکیم صلح و پیشرفت و توسعهٔ کشور دست به دست هم دهند و با قاطعیت جلو دسیسه های خارجی را بگیرند.

فاجعهٔ منحصر به فرد دین ستیزانهٔ دولت تاجیکستان



سیدعنایت الله شاداب/ استاد دانشگاه کابل

درین اواخر بشریت به گونهٔ عام شاهد فاجعهٔ منحصر به فردی در آسیای میانه و به صورت خاص در تاجیکستان است که شنیدن خبر آن نه تنها جوامع اسلامی را دچار بهت و حیرت نموده که وجدان انسانی خانوادهٔ بشری را نیز به لرزه درآورده است. خبری تحت عنوان قانون: «مسؤولیت و الدین » توسط رئیس جمهور تاجیکستان به امضاء رسید.

پخش این خبر، آن هم در کشور اسلامی که همه انتشارات معنوی آن در بستر ارزش های اسلامی زاده شده، نه تنها بیانگر طغیان قدرت و فقدان خِرد سیاسی متولی آن است بلکه، بازتاب دهندهٔ این واقعیت نیز می باشد که حواشی قدرت تا چه حدی تلاش می ورزند که خواسته های نامشروع و غیر انسانی خویش را از طریق متولی قدرت تامین نمایند.

<u>چه به جاست آن تعبیر برخاسته از وجدان جمعی ملت تاجیک که این نظام فاسد را به نظام « بُقه ها » (جوانه گاو های تازه شاخ برآوردهٔ که در برابر همه: چیزی که در برابر شان قرار می گیرد، از شاخ های خود به حیث رمز قدرت استفاده می کنند) عنوان داده اند.</u>

در عصر و در همین قرن بیست و یک که خطوط اساسی چهره آن را دموکراسی و مردم سالاری با پایه های آزادی، حقوق بشر و تحمل باورهای مخالفان تشکیل داده و « مسیویچ ها» را در محکمهٔ بین المللی به اعدام محکوم می کنند، آری! در همین عصر، شخصی در مقام ریاست جمهوری یک کشور مسلمان، در برابر همهٔ این ارزش ها قرار می گیرد و بر آزادی دینی از طریق امضای قانونی، حمله می برد و هویت دینی و تأریخی آن را به چالش می کشاند. گرچه واکنش در برابر این خبر که واقعیت امر پاگذاری بر هویت یک ملت به شمار می رود- در میان کشورهای اسلامی و کشورهای مدافع حقوق بشر بنا به خطری که از ناحیهٔ گسترش گرایش به آموزه های اسلامی در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان احساس می کنند، کمرنگ بوده، ولی این کمرنگی واکنش ها، در جهان اسلامی و غیراسلامی، هرگز بیانگر کمرنگی احساس ملت های مسلمان به ویژه ملت مسلمان تاجیک نخواهد بود.



به گفتهٔ اکبر توره جان زاده: « این قانون برای مسلمانان تاجیکستان امتحان بزرگی است که انتخاب کنند، به مسجد بروند یانه»

قانونمندی حرکت های تاریخی در درازای تاریخ زندگی بشر، گویای این حقیقت است که طغیان قدرت نقطهٔ آغازین فروپاشی نظام های مستبد و مرگ متولیان نابِخرد این گونه نظام ها است که نمونه های آن ها در تاریخ فراوان است. این سنت تاریخ است و سنت تاریخ از عارضهٔ تغییر به دور است.

واضح است که هر نظام سیاسی در پویائی تکامل اجتماعی خویش الگوئی را دنبال می کند. آیا چنین الگوئی که امام علی رحمان با چنین عملکردهای هویت زدایانه و اهانت آمیز خویش نسبت به ملت مسلمان تاجیک روا داشته است، در میان ملت های علمبردار دموکراسی وجود دارد؟

آیا این عمل هویت گریزانهٔ متولیان فاسد قدرت، در جولانگاه سید علی همدانی و ابرمردان ختلان و بخارا در عرصه های مختلف دانش و فرهنگ چون اسماعیل بخاری و ابو عیسی ترمذی نمی تواند تیشه به ریشهٔ این نظام های فاسد باشد؟ این گونه عملکِردها جز این که بیانگر زوال خِرد سیاسی پیشگامان این حرکت ها باشد، پیام دیگری ندارد.

<u>امضای این قانون به نام قانون مسؤولیت والدین، اگر از یک طرف کودنی متولیان قدرت در تاجیکستان را بازگو می کند، از جانب دیگر پیام « برخیز» به ملت مسلمان تاجیک داده</u> و به گفتهٔ اکبر توره جان زاده: « این قانون برای مسلمانان تاجیکستان امتحان بزرگی است که انتخاب کنند، به مسجد بروند یانه» واقعات تاریخی دوران حکمروائی اتحاد شوروی بازگو کنندهٔ این حقیقت است که جوانان مسجد را ترک نگفته و باحضورشان در مساجد چراغ های آن را روشن نگه می دارند. بیشتر از پیش به فراگرفتن آموزه های اسلامی رو می آورند و همه می دانند که پیامد همهٔ این حرکت ها، کشودن روزنه های بحران جدید درین کشور بحران زده بوده و مانع بزرگی خواهد در مسیر حرکت تکاملی این ملت تازه بپا خاسته، ملتی که فرزندان آن به جرم ادعای نظام حاکم در ارتباط به فراگیری تعلیمات اسلامی- که از آن به افراط گرایی تعبیر می شود- از تکمیل تحصیلات خویش در دانشگاه های کشورهای اسلامی فراخوانده می شوند.

متولیان قدرت در آسیای میانه، به ویژه در تاجیکستان باید جامهٔ فرهنگ ستالین را از تن به دور کرده و تاریخ خیزش های مسلمانان و رستاخیزهای کشور های اسلامی را بخوانند و از آن رهچراغ هایی را در مسیر تکامل خویش قرار دهند که قضاوت دادگاه تاریخ مجامله را نمی شناسد.

حرف اخیر هم این که، **<u>نهادهای حقوق بشر در منطقه و جهان نباید در برابر این حرکت هویت ستیزانهٔ حکومت تاجیکستان نه تنها به ابراز نگرانی بسته کنند و باید از مجاری قانونی، فشارهایی را بر دستگاه قدرت در تاجیکستان وارد کنند. و سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی در واکنش به این عمل، باید عضویت حکومت تاجیکستان را به حالت تعلیق در آورد تا از طریق اعمال این گونه فشارها اجرای این قانون در حالت تعلیق قرار گیرد و سدی شود در راه تطبیق این قانون، که به حق « فاجعهٔ منحصر به فرد دین ستیزی» در این عصر بوده و لکهٔ ننگی است بر پیشانی عصری که گسترش و تحکیم دموکراسی و تأمین حقوق بشر شعارهای پر رنگ آن را تشکیل می دهد.</u>**

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

عیسای مسیح از دیدگاه اسلام و مسیحیت

ولادت اعجاز آمیز عیسی

یک روز مریم در همان اطاقی که زکریا برایش آماده کرده بود مشغول عبادت بود که ناگهان فرشته ای به صورت یک مرد در نظرش ظاهر شد.

مریم از دیدن او به هراس افتاد و از او به خداوند متعال پناه برد، فرشته او را اطمینان داد و گفت:

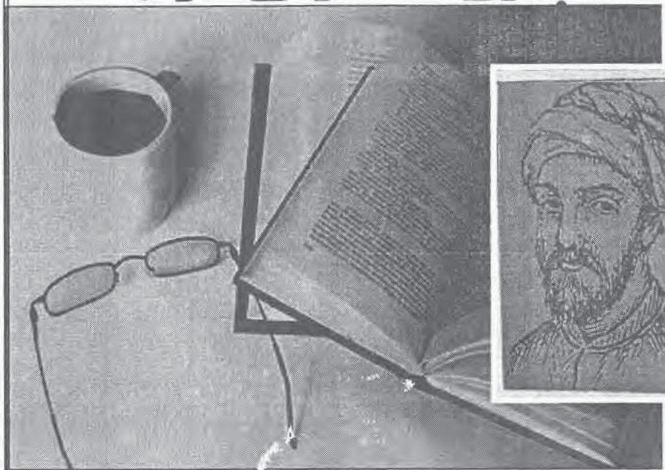
« همانا من فرستادهٔ پروردگار توام تا پسری پاکیزه بتو بخشم» مریم گفت: « از کجا مرا پسری خواهد بود، در حالی که بشری با من تماس نگرفته، و من زنا کار نبودم» فرشته گفت:

« پرودگارت چنین فرموده است که آن بر من آسان است و این کاری است که قضای الهی بران رفته است.» پس از آن فرشته در گریبان پیراهن مریم پُف کرد، و ناپدید گردید، و مریم در اثر آن باردار شد. و چون زمان وضع فرا رسید، از مردم کناره گرفت و به یک جای دور و منزوی رفته عیسی را متولد کرد.

مریم از اینکه مردم در بارهٔ او چه خواهند گفت، و چه تهمت هایی بر دامان پاکش خواهند بست، هراسناک بود، اما فرشته به او اطمینان داد که اگر کسی از تو چیزی بپرسد، تو به این کودک اشاره کن، او عوض تو جواب خواهد داد. مریم کودک را گرفت و به شهر بازگشت، دیری نگذشته بود که خبر ماجرا در سراسر شهر پیچید، و مردم در بارهٔ او زبان گشودند که چگونه یک دوشیزهٔ بی شوهر فرزند زاییده است، و به او گفتند: « ای مریم! تو چیز زشتی آوردی، ای خواهر هارون! مادر و پدر تو مردمان نیک بودند.» از مردم نیک اولاد بد جای شگفت و تعجب است. مریم به طرف بچه اشاره کرد که از خود او بپرسید، مردم با تعجب گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟» در آن هنگام خداوند زبان کودک را گویا ساخت، تا برائت و عفت مادر پاکدامنش را به همگان ثابت سازد، کودک خطاب به مردم گفت: من بندهٔ خدایم که کتاب به من داده و مرا به پیغمبری مبعوث کرده، و هرجا که باشم مبارکم ساخته، و تا وقتی که زنده باشم به نماز و زکات مرا توصیه کرده، و مرا نسبت به مادرم نیکو کار گردانیده، و جبار و شقی قرار نداده است، و سلام بر من، در آن روز که متولد شدم، و در آن روز که می میرم، و آن روزکه زنده برانگیخته خواهم شد.» گفتار کودک قوم را مبهوت کرد، و دروازهٔ تهمت را به روی شان بست، و جز یک اقلیت شرور و لجباز و متعصب، دیگر اکثر مردم به صداقت، پاکی و طهارت حضرت مریم ایمان آوردند.

تاریخ ولادت حضرت عیسی (علیه السلام) به طور دقیق معلوم نیست، زیرا قرآن در باره چیزی نگفته و اناجیل موجود در مورد آن اختلاف زیادی دارند، ولی از مجموع روایات می توان به این نتیجه رسید که تاریخ تولد ایشان سه الی پنج سال قبل از تاریخ معمول میلادی بوده، و در زمانی صورت گرفته که فلسطین در زیر سلطهٔ رومیان قرار داشته است.

منوچهری پیرو شاعران عرب



عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

بخش دوم و پایانی

منوچهری از خمریه های ابو نواس و سایر شاعران عرب تاثیر فراوان را پذیرفته است که در این جا به چند نمونه آن پرداخته می شود.

از ابو نواس:

وجدت طبایع الانسان اربعهٔ هی الاصل
فاربعهٔ لاربعهٔلکل طبیعهٔ رطل

(در یافتم که تباهی انسان بر چار اصل استوار است؛ بنا بر این چهار چیز بر این چهار واجب است، چون هر طبع را پیاله یی است. دو بیت زیر از منوچهری اشاره به این دو بیت ابو نواس است:

می ده چهار ساغر
تا خوشگوار باشد
زیرا که طبع عالم
هم بر چهار باشد

شراب را باید در نوای موسقی نوشید ابو نواس گوید:

و لاتشرب بلا طرب و لهو
فان الخیل تشرب بالصفیر
و لیس الشراب الا با لملاهی
و با لحرکات من مثنی وزیر

بی لهو و طرب شراب ننوش زیرا حتی اسبان نیز با صفیر آب می نوشند. در نوشیدن بدون موسیقی لذتی نیست، بی نغمه های بم و زیر، مثل مورد قبلی، منوچهری در ابیات زیر نیز کاملا از ابو نواس تقلید کرده است:

وین عجبتر که خورد باده نه بر چنگ
بی نغمه زیرش به می ناب شتاب است
اسبی که صفیرش نزنی می نخورد آب
نه مردم از اسب ونه می کمتر ازآب است

ابو محجن ثقفی شاعر عرب اوایل عهد اسلامی با نشان دادن دلاوری در جنگ قادسیه خود را به وسیله این ابیات از گرفتاری های بعد از مرگ چنین میرهاند و می گوید:

اذا مت فادفنی الی اصل کرمهٔ
تروی عظامی فی التراب عروقها
و لا تدفننی فی الفلاهٔ فاننی
اخاف اذا مامت الا اذوقها

چون بمیرم مرا در کنار ساقه تاک دفن کنید تا ریشه هایش استخوان های مرا در خاک تر کند مرا در بیابان دفن مکنید زیرا می ترسم بعد از مرگ، دیگر مزه باده را نچشم.

این ابیات را منوچهری چنین بر گردانده است:

آزاده رفیقان منا من چو بمیرم
از سرخ ترین باده بشوئید تن من
از دانه انگور بسازید حنوطم
وز برگ زر سبز ردای کفن من
در سایه زر اندر گوری بکنیدم
تا نیک ترین جایی باشد وطن من

ممکن است که خیام در سرودن رباعی منسوب به وی:

چون در گذرم به باده شویید مرا
تلقین زشراب ناب گویید مرا
خواهید به روز حشر یابید مرا
از خاک در مکیده جویید مرا

و حافظ در سرودن شعر زیرین به این مطلع:

من ار زانکه گردم به مستی هلاک
به آیین مستان بریدم به خاک

توصیف اسپ تقلید کرده باشند و جنگ مخصوص شاعران کهن عرب میباشد که برخی از شاعران کلاسیک زبان فارسی دری از جمله منوچهری از آن تقلید نموده است؛ طوریکه امروء القیس در معلقه معروش چنین می گوید:

مکر مفر مقبل مدبر معا
کجلمود صخر حطه السیل من عل
له ایطلا ظبی و ساقا نعامهٔ
و ارخا سرحان و تقریب تتقل

حمله می کند و می گریزد، روی می آورد و پشت میکند، و چون سنگ صخره است که سیل آن را از بلندی پرتاب کرده باشد. پهلو های او چون آهو و ساق های او چون شتر مرغ است و چون گرگ می دود و چون بچه روباه می جهد. منوچهری این ابیات را چنین ترجمه کرده است:

همچنان سنگی که آن را سیل گردانده ز کوه
گاه ز آنسو گاه زینسوگه فراز و گاه باز
شیر گام و پیل زور و گرگ پوی و گور گرد
ببر دو و آهوجه و روباه عطف و رنگ تاز

به همین گونه منوچهری از سایر شاعران عرب مثل ابن المعتز، ابو تمام و دیگران تاثیر پذیرفته است. ابن المعتز ماه نو را به داس زرین چنین تشبه می کند:

انظر الی حسن هلال بدا
یهتک من انواره الحندسا
کمنجل قد صیغ من غسجد
یحصد من زهر الدجی نرجسا

به زیبایی ماه نو که طلوع کرده بنگر، با انوار خود تاریکی را دور کرده است. چون داسی از طلاست که نرگس را از گل های ظلمت درو می کند.

منوچهری از این بیت متاثر گردیده و چنین می گوید:

پدید آمد هلال از جانب کوه
بسان زعفران آلوده محجن
من بسی دیوان شعر تازیان دارم ز بر
توندانی خواند"الاهبی بصحنک فاصبحین"

این بیت آغاز معلقه عمرو بن کلثوم است به این مطلع:

الا هبی بصحبنک فاصبحینا
و لا تبقی خمور الا ندرینا

الصحن: قده بزرگ ج الصحون که در آن الاندرون صبوح باشد قریه هایی است در شام؛ یعنی ای ساقی از خواب بیدار شو و صبوح را از قده یی بزرگ خویش بنوشان و شراب این قریه ها را ذخیره مکن.

منوچهری به طوری واضح از ابو تمام در این بیت خود می گوید:

"آنکه گفت از الصیف اصدق" نام می برد که آغاز قصیده وی می باشد.

السیف اصدق انباء من الکتب
فی هده الحد بین الجد و اللیب

صیام

می‌بسازد جان و دل را بس عجایب کان صیام
گر تو خواهی تا عجب گردی، عجایب دان صیام
گر تو را سودای معراجست بر چرخ حیات
دانک اسب تازی تو هست در میدان صیام
هیچ طاعت در حبان آن روشنی ندهد تو را
چونک بهر دیده دل کوری ابدان صیام
چونک هست این صوم نقصان حیات هر ستور
خاص شد بهر کمال معنی انسان صیام
چون حیات عاشقان از مطبخ تن تیره بود
پس مهیا کرد بهر مطبخ ایشان صیام
چیست آن اندر جهان مهلکتر و خونریزتر
بر دل و بر جان و جا خونخواره شیطان صیام
خدمت خاص نهانی تیز نفع و زود سود
چیست پیش حضرت درگاه این سلطان صیام
ماهی بیچاره را آب آنچنان تازه نکرد
آنچ کرد اندر دل و جانهای مشتاقان صیام
در تن مرد مجاهد در ره مقصود دل
هست بهتر از حیات صد هزاران جان صیام
گرچه ایمان هست مبنی بر بنای پنج رکن
لیک والله هست از آنها اعظم الارکان صیام
لیک در هر پنج پنهان کرده قدر صوم را
چون شب قدر مبارک هست خود پنهان صیام
سنگ بی قیمت که صد خروار از او کس نکرد
لعل گرداند چو خورشید درون کان صیام
شیر چون باشی که تو از روبهی لرزان شوی
چیره گرداند تو را بر بیشه شیران صیام
بس شکم خاری کند آنکو شکم خواری کند
نیست اندر طالع جمع شکم‌خواران صیام
خاتم ملک سلیمانست یا تاجی که بخت
می‌نهد بر تارک سرمای مختاران صیام
خنده صایم به است از حال مفطر در سجود
زانک می‌بنشاندت بر خوان الرحمن صیام
در خورش آن بام تون، از توبه آلایش بود
همچو حمامت بشوید از همه خذلان صیام
شهوت خوردن ستاره نحس دان تاریک دل
نور گرداند چو ماهت در همه کیهان صیام
هیچ حیوانی تو دیدی روشن و پر نور علم
تن چون حیوانست مگذار از پی حیوان صیام
شهوت تن را تو همچون نیشکر در هم شکن
تا درون جان ببینی شکر ارزان صیام
قطره ای تو، سوی بحری کی توانی آمدن؟
سوی بحرت آورد چون سیل و چون باران صیام
پای خود را از شرف مانند سر گردان به صوم
زانک هست آرامگاه مرد سر گردان صیام
خویشتن را بر زمین زن در که غوغای نفس
دست و پایی زن که بفروشم چنین ارزان صیام
گرچه نفست رستمی باشد مسلط بر دلت
لزر بر وی افکند چون بر گل لرزان صیام
ظلمتی کز اندرونش آب حیوان می‌جهد
هست آن ظلمت به نزد عقل هشیاران صیام
گر تو خواهی نور قرآن در درون جان خویش
هست سر نور پاک جمله قرآن صیام
بر سر خوانهای روحانی که پاکان شسته‌اند
مر تو را همکاسه گرداند بدان پاکان صیام
روزه چون روزت کند روشن‌دل و صافی‌روان
روز عید وصل شه را ساخته قربان صیام
در صیام ار پا نهی شادی‌کنان نه با گشاد
چون حرام است و نشاید پیش غناکان صیام
زود باشد کز گریبان بقا سر بر زند
هر که در سر افکند مانند دامان صیام

(کلیات شمس، جزو سوم، صص ۲۹۱ تا ۲۹۳)

محمد نسیم فقیری

بازنگری و اصلاح مواقف!

نگرشی کوتاه بر:

یادداشت های عبدالمجید زابلی، نامه های عبدالقیوم خان و مقالهٔ انجنیر محمد عثمان

ما به حیث یک مسلمان همواره حاضر و آماده هستیم تا مواقف خویش را که در گذشته و یا حال داشتیم و داریم با مطالعهٔ اطلاعات و معلومات جدید که قبلاً به آن دسترسی نداشتیم و یا نا آگاه بودیم، اصلاح نماییم و هرگز روی مواقف درست و نادرست قبلی و کنونی- بدون دلیل - پافشاری و اصرار نه نماییم.

ما به تعبیر قرآنکریم، همیشه شنونده هستیم و آمادگی خود را برای دریافت اجر و ثواب شنوندگان که خداوند بزرگ وعده داده است، اعلام می نماییم. خداوند بزرگ می فرماید: بشارت بده به کسانی که می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند.

مسلمانان مانند احزاب چپی نیستند که همه شعارها و مفکوره های ارباب ملحد خود را طوطی وار تقلید و بازگو نمایند و هرگز حتی یک کلمه را تغییر ندهند!

شوروی یک ابر قدرت بزرگ است! پایگاه زحمتکشان و کارگران است! دنیای عدل و مساوات است... انقلاب بزرگ و شکوهمند ثور، برگشت ناپذیر است! همه دشمنان خلق نابود شدنی اند و... جبر تاریخ است! سوسیالیسم علمی است! نابغهٔ شرق است! و ...

پس هرگاه دلایل دیگران را بشنویم و اسناد را مطالعه کنیم، با جرأت می توانیم که مواقف گذشتهٔ خود را بازنگری و اصلاح نماییم و حرف های تکراری را دوباره تکرار نه کنیم و با اصرار و پافشاری روی اصول گذشته، تاکید نه نمایم!

موضوع عقیده و ایمان در کل، یک موضوع جداگانه است و مسلمان هرگز در اصول عقیدتی خود در کُل، خللی را نمی پذیرد... او به خدای واحد عقیده دارد و اصول عقیدتی را که همه با آن آشنا اند، می پذیرد و تبلیغ می کند...

موضوعی که در مورد آن بحث می شود، مواقف افراد در برابر مسایل مختلف سیاسی است که بعضی اوقات در مراحل ابتدایی و بدون داشتن وسایل ارتباط و یا پنهان نگهداشتن مواقف اصلی، از نظرها پنهان می ماند... من حداقل دوبار به حکم ایمان و وجدان خویش مجبور شده ام تا پس از مطالعهٔ اسناد چاپ شده یا دست نویس، عقیدهٔ خود را در مورد افراد مهم کشور تغییر بدهم! یادداشت هایی عبدالمجید زابلی و نامه های عبدالقیوم خان وزیر و برادر کوچک داکتر عبدالظاهر صدراعظم سابق.

یادداشت های عبدالمجید زابلی را حدود هشت سال قبل که توسط نویسنده و تحلیلگر معروف وطن آقای وحید مژده، بازنویسی شده و به چاپ رسیده است، خواندم و به یادم آمد، هوشدارهای راکه عبدالقیوم خان در مجموعه یی از نامه های دست نویس عنوانی برادر بزرگش نوشته بود...

من در آوان نوجوانی، تصور داشتم که ارباب قدرت و اقتدار، در حالی که دارای شهادتنامه های معتبر از پوهنتون های معروف دنیا اند و زمان کوتاه یا دراز مسؤولیت های اداری را نیز به عهده داشتند؛ چرا به این همه خطرهایی که از هر طرف کشور را تهدید می کرد و آیندهٔ میهن ما را با خطر بزرگ داخلی و مداخلات دوامدار خارجی همواره در معرض تهدید قرار داشت و... توجه نمی کردند؟

چرا این بزرگان در فکر چاره نبودند و فقط و فقط مشغول عیاشی و زن بارگی و تفریح و استراحت بودند...؟

درست است که بعضی از این افراد، دنباله رو حوادث بودند و یا با درنظرداشت نفوذ قوی شوروی در کشور، جناح های چپ- بدون همفکری- توافق نشان می دادند و یا خط نیروهای اسلامی را شدید تر از کمونیست ها می دیدند و یا....

اما مطالعهٔ این نوشته ها نشان داد که اکثر این افراد متوجهٔ خطرات بودند و زنگ های خطر به گوش ایشان رسیده بود! این افراد کوشیده بودند تا نزدیکان خود را از این خطرها آگاهی دهند و یا عمق آن را نشان بدهند... هر چند این فعالیت ها و آگاهی به صورت علنی و آشکار صورت نگرفت و در یادداشت ها و یا نامه ها محصور ماند...

۱- از یادداشت های عبدالمجید زابلی:

من در نوجوانی و جوانی، مانند اکثر افراد تحصیل کرده، با نام عبدالمجید زابلی به صورت مثبت و منفی آشنا بودم...

در تابستان ۱۳۵۶ که مدتی در دارالمشورهٔ پوهاند دوکتور سمیع الدین تره کی پسر مامای خویش به صورت افتخاری کارمی کردم و ثبت امور تجارتی و رابطه با وزارت عدلیه و شرکت ها را به عهده داشتم، با عبدالرحیم مجید فرزند عبدالمجید خان که رئیس یک شرکت (کوکاکولا) بود، قدری آشنا شدم. موصوف در دارالامان شرکت داشت و با دارالمشوره در تماس بود...

اکنون فقط به چند اقتباس از نوشته های چاپ شدهٔ عبدالمجید زابلی می پردازم که برادرم آقای وحید مژده آن را تنظیم و بازنویس و چاپ کرده است:

« فراموش نگردد که روس ها از پانزده سال به اینطرف دم و دستگاه خود را در شمال کشورما پهن کرده اند و مصارف پانزده ساله و مصارف عمرانات و غیره باید در نظر گرفته شود و بعد از سنجش دقیق می توان به این نتیجه رسید که تمام پروژه های که روس ها در افغانستان روی دست گرفته اند، غیر اقتصادی بوده و کمکی به اقتصاد کشورما ننمود. در اینجا دو احتمال وجود دارد: احتمال ضعیف این است که روس ها در پلانگذاری و سنجش های اقتصادی، موفق نیستند و احتمال دوم اینکه روس ها در کشورما برنامهٔ دقیق و طویل المدتی را تعقیب می کنند که می خواهند امور اقتصادی ، معادن و تسلیحات مملکت را به دست خود بگیرند و در دستگاه های حیاتی کشور ما نفوذ یابند...

این نکته کاملاً روشن است که هدف اصلی ابرقدرت ها چه در گذشته و چه در زمان حاضر، جهانگشایی و استعمارگری است نه کمک به دیگران!» (۱)

« ... ولی روش روس ها در طول پانزده سال گذشته در برابر کشور ما شدید تر بوده است... من نمی دانم روی کدام عقل و منطق و کدام سنجش، دولت زمام امور تفحصات سمت شمال کشور را به صورت انحصاری به روس ها سپرد و بدون اینکه نتیجهٔ مثبت از این کار گرفته باشد، اکنون جنوب هندوکش را نیز به آن ها سپرده است!

آیا با چنین بی احتیاطی ها و سهل انگاری ها می توان به آیندهٔ این مملکت امیدوار بود؟»

« ... دیری نخواهد گذشت که سلطهٔ حزب چپ بر مملکت حاکم گردیده و شیرازهٔ حیات مملکت از هم خواهد پاشید.» (۳)

« جناح چپ فقط و فقط طرفدار انقلاب و از بین بردن سیستم موجود و به دست گرفتن قدرت می باشد... زیرا به جز از جناح چپ، گروپ منظم دیگری در کشور موجود نیست و از حمایت خارج نیز بر خوردار اند. آنها مطمئن اند که سرانجام قدرت دولتی را تصاحب خواهند کرد.» (۴)

« همین دست های نامریی و عقده های داخلی است که مردم را به سوی خلق و پرچم و شعلهٔ جاوید سوق می دهد و... جدایی که صحنهٔ مملکت را خونین و کشور را به جانب تجزیه و نیستی خواهد کشاند.» (۵)

« تنظیم های چپ گرا برای اینکه به نتیجهٔ نهایی خود برسند، تحریکات و فعالیت های خود را در این اواخر متوجه مکاتب حربی و قطعات و افراد رده های پائین نظامی نموده اند.» (۶)

«... جوانان فاقد عقیده، پیرو عقاید بیگانه گردیدند و دین کامل و قوی را با بد اخلاقی و فقدان روحیهٔ ملی و وطندوستی معاوضه کردند... از خلای فکری یی که به این شکل به میان آمد، ایدئولوژی های وارداتی و بیگانه، کمال استفاده را بردند.»(۷)

« قابل تذکر است، زمانی که رژیم کمونیستی در روسیه به قدرت رسید، در ضمن اعلام جنگ مقدماتی، برضد دین نیز اعلام جنگ نمود. در نتیجه هزاران کلیسا ویران یا مسدود شد و ده ها هزار کشیش و راهب به زندان افتادند. رژیم مذکور اعلام نمود که دین برای ملت به مثابهٔ تریاک است و این ماده باید از بین برده شود.

چون احساس دینی در مردم روسیه قوی بود، مردم از کلیسا رو نگردانیدند و این کشمکش تا آغاز جنگ جهانی دوم ادامه یافت.

روسیه از ماه جون تا اکتوبر سال اول جنگ جهانی دوم (۴,۵) میلیون سرباز اسیر داد و قوای متحدین (متفقین؟) اوکراین و روسیهٔ سفید را اشغال نموده و شهرهای ماسکو و لینن گراد را محاصره نمودند، زیرا طبقه یی که مفکورهٔ کمونیستی را پذیرفته بودند، فقط (۳٪) نفوذ روسیه را تشکیل می دادند و باقی ملت از رژیم ناراضی بودند. عامل اصلی این عدم رضائیت آنها همانا مخالفت رژیم با عقاید مذهبی مردم بود. از این سبب عساکر روس بدون مقاومت، میلیون میلیون تسلیم دشمن می گردیدند و هم در تشکیلات نظامی روسیه، عقده هایی موجود بود. زیرا استالین از سال ۱۹۳۶ الی ۱۹۳۸ بسیاری از افسران نظامی را به علت سوء ظن به قتل رسانیده بود. وقتی استالین به اشتباهات خود پی برد، روحانیون را جمع نمود و آ نها را به همکاری با رژیم دعوت کرد و فشار برکلیسا را رفع نمود. روحانیون به تبلیغ دینی در میان سربازان پرداختند و از این راه آنان را به نجات وطن تشویق کردند...

در نتیجه، درسال دوم جنگ انگیزه ای مقاومت در سربازان چنان تقویه گردید که نه تنها جلو پیشرفت های آلمان را گرفت، بلکه قدم به قدم آنها را به عقب زده و سرانجام جنگ را به داخل خاک آلمان کشاندند. از آنروز به بعد در روسیه، دولت در امور دینی مداخله نکرد و یک سازش خاموشانه میان کلیسا و رژیم کمونیستی به وجود آمد.»(۸)

این بود خلاصه و فشردهٔ از خطرات احتمالی که در کشورما به یقین مبدل گشت و از اکثر مطالب دیگر و مهم، صرف نظر شد...

ادامه در شمارهٔ آینده

....

(۱)-صفحهٔ ۳۶ یاد داشت های عبدالمجید زابلی، وحید مژده ، خزان ۱۳۸۰
(۲)- همان،ص ۳۷
(۳)- همان ،ص ۴۵
(۴)- همان، ص ۵۷
(۵)- همان، ص ۷۰
(۶)- همان، ص ۷۴
(۷)- همان، ص ۷۶
(۸)- همان، ص ۷۶,۷۷

فرمان دو لبهٔ رئیس جمهور در مورد پروندهٔ انتخاباتی

نذرالله عنایت



آقای حامد کرزی، طی فرمانی صلاحیت نهایی تصمیم گیری در بارهٔ جنجال های انتخاباتی را به کمیسیون مستقل انتخابات محول کرده است.

وی روز چهار شنبه تاریخ ۱۹ اسد سال روان با صدور حکمی کمیسیون انتخابات را مؤظف ساخت که بخش حقوقی جنجال های انتخاباتی را بر اساس حکم دادگاه استیناف و مواد قانون اساسی و قانون انتخابات نهایی نماید.

چندی پیش محکمهٔ استیناف با صدور حکمی بدون این که قرار دادگاه ویژهٔ انتخابات را رد یا تأیید کند، صلاحیت نهایی تصمیم گیری در باره جنجال های انتخاباتی را به رئیس جمهوری واگذار نمود.

در این فرمان آقای کرزی از یک سو، اهمیت تصمیم و فیصله های دادگاه ها را در مورد تنش های انتخاباتی معتبر دانسته و از سوی دیگر صلاحیت کمیسیون مستقل انتخابات برای رسیدگی به مسائل انتخاباتی را به عنوان آخرین مرجع تصمیم گیرنده مورد تأیید و تأکید قرار داده است.

در فرمان رئیس جمهور از به کار بردن واژه ها و جمله هایی که نشان دهد قرار دادگاه ویژه را به طور صریحی تأیید کرده و کمیسیون انتخابات را مکلف به اجرای آن کرده باشد، خود داری شده است.

به طور نمونه در بخشی از حکم آقای کرزی آمده است: "کمیسیون مستقل انتخابات مؤظف است تا بخش حقوقی موضوع را طبق حکم ماده های ۳۳، ۸۶ و ۱۵۶ قانون اساسی، مواد ۶۲، ۶۳ و ۶۴ قانون انتخابات و قرار صادره شماره ۲۲ دیوان مدنی و احوال شخصیهٔ محکمهٔ استیناف ولایت کابل در اسرع وقت نهایی نماید."

آقای کرزی همچنین در ادامهٔ حکم خود افزوده است "با صدور این حکم تمام موضوعات انتخابات مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) سال ۱۳۸۹ در هر مرجع دیگر، به استثنای کمیسیون مستقل انتخابات، تحت دوران و رسیدگی باشد، خاتمه یافته تلقی می‌گردد. همچنان رئیس جمهور مسائل جرمی انتخابات را از این امر مستثنا دانسته است.

در مورد حکم رئیس جمهور واکنش ها متفاوت بود. برخی ها می گویند حکم رئیس جمهور به معنای آوردن تغییر در نتایج انتخابات بوده و از کمیسیون مستقل انتخابات خواسته است که مطابق قرار محکمه ابتدائیه و تأییدی دادگاه استیناف تصمیم اتخاد نماید و ۶۲ تن از نمایندگان مجلس را تعویض نماید. اما کمیسیون مستقل انتخابات ضمن استقبال از فرمان رئیس جمهور گفته است که، رئیس جمهور هر نوع تصمیم گیری را مطابق به قانون اساسی و قانون انتخابات از صلاحیت های کمیسیون انتخابات دانسته است.

فضل احمد معنوی، رئیس این کمیسیون در تماس با رسانه ها گفته است که، با صدور این حکم، تصمیم گیری در باره همه مسائل انتخاباتی از سوی رئیس جمهوری به این کمیسیون واگذار شده است.

رئیس کمیسیون مستقل انتخابات به رسانه ها گفته است، احکامی که از سوی دادگاه ویژهٔ انتخابات در بارهٔ انتخابات صادر شده برای این کمیسیون الزام آور نیست، اما آنها آن را بررسی خواهد کرد.

نظر به گفته های آقای معنوی ممکن است با بررسی نهایی پروندهٔ انتخابات در آن کمیسیون، تغیيراتی اندکی در نتایج انتخابات به وجود آید. پیش از این مجلس نمایندگان بارها از رئیس جمهور خواسته بود که به جنجال های انتخاباتی پایان دهد و هیچ یکی از اعضای مجلس کنونی را حذف نه نماید.

ولی با وجود این، خیلی ها بدین باور هستند که امکان تغییر در فهرست اعضای مجلس نمایندگان منتفی نیست، زیرا رئیس جمهور اوایل هفتهٔ گذشته گفته بود که در مورد جنجال های انتخاباتی از انعطاف پذیری کار گرفته شود.

از سوی دیگر در اعتراض به حکم رئیس جمهور، شمار زیادی از وکلای مردم در مجلس نمایندگان دست به تحصن نامحدود زده اند. آنان می گویند تحصن به منظور بی اعتنایی های حکومت در برابر فیصله های ولسی جرگه مبنی به برکناری و سلب صلاحیت لوی سارنوالی، رئیس دادگاه عالی همراه با پنج تن از اعضای آن، ... و فرمان اخیر رئیس جمهور مبنی بر تأیید حکم محاکم که اصلاً جنبهٔ حقوقی و قانونی ندارد، صورت گرفته است.

حاجی عبدالظاهر قدیر رئیس ائتلاف حمایت از قانون که نیمی از نمایندگان پارلمان را تشکیل می دهد، گفته است که، این تحصن، به منظور مقابله با کودتای ارگ نشینان علیه آرای ملت افغانستان صورت می گیرد. به گفته وی، آنها برای دفاع از حق حاکمیت ملی و نتایج قانونی و نهایی شدن انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان، مبارزه با استبداد و دیکتاتوری دست به اعتصاب زده اند.

ادعاهای گسترده ای در مورد بروز تقلب در انتخابات پارلمانی افغانستان که حدود یک سال پیش برگزار شد، از سوی نامزدان معترض مطرح گردید.

برای بررسی این ادعاها، به پیشنهاد لوی سارنوالی و منظوری حامد کرزی دادگاه ویژهٔ را ترتیب داد و این دادگاه با اعلام نتایج کار خود، شصت و دو نفر از اعضای کنونی مجلس نمایندگان را به تقلب در انتخابات متهم کرده و عضویت آنها را در مجلس سلب کرد.

اما مجلس نمایندگان افغانستان، دادگاه ویژه را یک نهاد نامشروع می خواند و هر نوع تصمیم را از سوی این نهاد نپذیرفته است. رئیس کمیسیون مستقل انتخابات گفته است که، طی یک هفته،آخرین تصمیم خود را در روشنایی قانون اعلام خواهد نمود. اما معلوم نیست که با اعلام هرگونه تصمیم، واکنش ها در سطح ملی و بین المللی چه خواهد بود؟

کارشناسان می گویند، هفته های آینده برای مردم افغانستان سرنوشت ساز خواهد بود و در صورت صدور فیصله های نهایی، بلوغ سیاسی و خِرد ورزی طرف ها را به نمایش می گذارد.

بدون شک تنش ها میان قوای سه گانه، سبب بروز نگرانی مردم، توقف و کندی کار در ادارات دولتی شده و حتی نرخ ها را به شکل سرسام آور در بازار بلند برده است.

افغانستان بعد از سال ۲۰۱۲...

نیروهای اشغالگر، مردم افغانستان روی خوش بختی را ندیدند و بحران سیاسی و اجتماعی دامن این سرزمین را فراگرفت که از تبعات آن نظام طالبان و بحران های بعدی است که تا همین اکنون این بحران در کشور وجود دارد.

این گروه بحران پیشنهاد می کند که پس از خروج این نیروها از افغانستان، جنگ های داخلی از سر گرفته نه شود باید در افغانستان ظرفیت های لازم ایجاد گردد، تا جلو این بحران گرفته شود و در نبود نیروهای خارجی کشور به صورت درست اشراف و مدیریت گردد.

از نظر این گروه پایان رنج و مصیبت مردم افغانستان در ثبات، استقرار سیاسی و بازگشت به صلح و تفاهم نهفته می باشد؛ زیرا در صلح و تفاهم یکنوع هم پذیری و تحمل وجود دارد که در دیگر گزینه ها وجود ندارد. این گروه اعلان می دارند که پس از یک دهه حضور نیروهای خارجی، کارشناسان و مستشاران سیاسی و اقتصادی غرب در افغانستان که به هدف تشکیل کشوری با سیاست های پایدار و اقتصاد با ثبات در این کشور حضور یافته بودند، هیچ کدام از این اهداف تحقق نیافت و تمامی این توان ها به ناکامی انجامید.

این گروه راهکارهای سیاسی نسبت به راهکارهای نظامی را در افغانستان ترجیح می دهد. باید راهکارهایی که خسارهٔ آن در افغانستان کمتر می باشد جستجو گردد، تا احتمال وقوع جنگ داخلی پس از خروج قوای خارجی از افغانستان کمتر گردد.

گروه بحران بین المللی اعلان کرد که علی رغم کمک های میلیارد ها دالر به افغانستان پس از سال ۲۰۰۱م جامعهٔ جهانی در ایجاد یک افغانستان سیاسی و با ثبات و از لحاظ اقتصادی قابل قبول ناکام بوده است. این گروه در ادامه گزارش خود اعلان می دارد که امریکا و هم پیمانانش هنوز در یک سیاست هماهنگ برای بهبود اوضاع در افغانستان بی بهره اند. به گزارش خبر گزاری رویترز، این گروه آمده است. به رغم میلیاردها دالر کمک جامعه جهانی به این کشور، موسسات دولتی این کشور همچنان متزلزل هستند و حیات مدنی مردم دارای ضمانت اجرایی به خود نه گرفته است. خشونت ها در افغانستان نیز از سال ۲۰۰۱م در بدترین حالت خود قرار دارد. همه ساله به تلفات غیر نظامیان در کشور افزوده می شود. افغانستان در حدود ۹۰ درصد از هزینه های آن به کمک های خارجی وابسته است. اما بسیاری از کمک کنندگان بین المللی به افغانستان به دلیل فقدان توانایی دولت و همچنان فساد مالی فراگیر نسبت به ارائه کمک ها به وزارتخانه های این کشور بی توجه بوده اند.

فساد مالی در بخش دولتی افغانستان نیز به جز کشور سومالی بدترین شرایط را در جهان دارد. در گزارش این گروه آمده است، تاثیر کمک های بین المللی به افغانستان همچنان محدود است و برای بهبود اوضاع در افغانستان لازم است، اهداء کنندگان کمک های خارجی به ویژه امریکا میکانزم های شهری در برابر نظارت بر اقدامات در افغانستان، مبارزه با فساد مالی و همچنان جلوگیری از به هدر رفتن کمک های خارجی در استور کار خود قرار دهند.

این گروه اعلان کرد همزمان با کاهش سطح نیروهای خارجی در افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴م کمک های کشورهای خارجی نیز به سرعت کاهش می یابد که این موضوع می تواند در امور باز سازی و توسعه افغانستان تاثیر منفی بگذارد. به نظر گروه بین المللی بحران، پول های کمک شده در افغانستان صرف شبکه های فساد و تغذیه افراد قدرتمند افغان شده است. تا زمانی که این دشواری ها از بین نرود و مردم به این کمک ها باور نخواهند کرد. و این کمک ها را یک بازی صرفاً سیاسی برای امریکا و غرب خواهند پنداشت.

به گزارش این گروه در حال حاضر در حدود ۸۰ هزار افسر پولس در افغانستان وجود دارند و نیروهای امریکایی و ناتو ابراز امید واری کردند، تا اکتبر سال آتی این نیرو ها را به ۱۳۴ هزار تن برسانند و ۱۷۰ هزار پرسونل را نیز تا آن زمان برای ارتش آزمون دهند. این گروه بین المللی اعلان کرده اند که پولیس افغانستان : " فاسد، وحشی و غارتگر" است و پولیس و ارتش هر دو از فقدان آموزش رنج می برند. همچنان این گروه بر اختلاف میان حکومت و مجلس افغانستان هشدار می دهد و از آن تصویر سنگین ارائه می دارد؛ زیرا از نظر این گروه انتخاب محکمهٔ ویژهٔ غیر قانونی بوده و نتیجهٔ آن یک بحران جدید در کشور می باشد که نتیجهٔ آن اعلام حالت اضطرار در کشور خواهد بود. در آن صورت نیروهای خارجی تصمیم خواهد گرفت یا از رئیس جمهور و یا هم از مجلس حمایت کنند.

گروه بحران خروج نیروهای خارجی از افغانستان را یک حرکت عجولانه خوانده است. زیرا دولت افغانستان توان رویارویی با شبه نظامیان را ندارد و بر ضعف نیروهای امنیتی افغان در این گزارش تاکید شده است.

آرزوی ملت افغانستان صلح پایدار و دوامدار در کشور است

نوشته: سید محمد خیرخواه

ادامه از صفحهٔ اول

طوری که تا حالا چندین بار چنین شده است. عده ای ادارهٔ شهرها را به دست گرفته و عدهٔ دیگر به کوه ها پناه برده و به تدریج به قریه ها سرازیر شدند و ادارهٔ قراء و قصبات را به دست گرفتند و با مساعد بودن شرایط محیطی و منطقه ای به جنگ خود توانستند ادامه دهند. چه در کشور ما چنین شرایط همیشه موجود بوده، لذا هر قدم که برای ایجاد صلح بر داشته می‌شود باید اساسی و پایدار باشد و از امتیاز گیری و امتیاز دهی کرده بیشتر به صلح پایدار و دوامدار به طور اساسی فکر شود و همه عوامل، ریشه ها و انگیزهای جنگ و منازعه درست و صحیح ارزیابی گردد و به اصل مشکل جنگ توجه جدی صورت گیرد. صبر و حوصله مندی دست اندرکاران صلح در کشور متزلزل نگردد و هر دو طرف منازعه، اقلاً به یک سلسله اصول اساسی عملاً پایبندی خود را نشان دهند. تا قدمهای بعدی استوارتر و متین‌تر بتواند برداشته شود. زیرا جنگ چه از نظر اجتماعی و چه از نظر روان‌شناسی هر دو یک پدیدهٔ مصیبت بار و زشت بوده که بر بالای انسان و جامعه به اجبار تحمیل می گردد که در اصل با کرامت انسانی انسان و جامعه هیچ نوع سازگاری و توافق ندارد و از نظر شرع مقدس اسلام هم اگر جنگ در جایی مشروعیت پیدا می کند جنگ دفاعی بوده نه تعرضی، زیرا از نظر اسلام جنگ به ذات خود هیچ حسن ذاتی نداشته چه جنگ (قتل عبادالله و تخریب بلادالله است) که هیچ نوع زیبایی ذاتی ندارد و در یک کشور بار اصلی جنگ را مردم آن کشور به دوش می کشند که خانه های شان خراب و فرزندان شان به قتل می‌رسد. تلفات انسانی، خسارات اقتصادی، هزینه‌های عاطفی همه و همه مصیبت هایی است که مردم گرفتار جنگ در یک کشور می‌بایست همه را بپردازند، غرامت دهندگان اصلی جنگ (مردم) بوده در حالی که خودشان در ایجاد جنگ کمترین نقش را هم نداشته و ندارند. ولی غرامت‌های کلی جنگ را آن‌ها می‌بایست بپردازند. چنان غرامت‌هایی که طور اجباری بر دوش آن‌ها تحمیل گردیده و برعکس تصمیم گیرندگان جنگ خود شان هیچ نوع غرامت جنگی نمی‌پردازند و اگر درجایی خطری جان آن ها را تهدید کند ممکن راه های دیگری را جستجو کنند تا خود را از مهلکهٔ جنگ نجات دهند. در حالی که خود شان مسببان اصلی جنگ اند. البته مؤثرترین و مهمترین راه جلوگیری از جنگ و ادامهٔ ناگوار آن بلند رفتن سطح شعور جامعه بوده که می تواند نقش مهم و اساسی را در جلوگیری از جنگ و ادامهٔ آن داشته باشد. چه جامعهٔ روشن، حساس و منور می‌تواند با فشار همه جانبه بر بالای رهبران جنگی و سیاست مداران خود از وقوع و ادامهٔ جنگ جلوگیری کند و جنگ را به زودی متوقف و خاتمه بخشد. چنانچه می‌گویند در جریان جنگ امریکا با ویتنام این تظاهرات وسیع و فشار مختلف مردم امریکا بوده که بالاخره دولت وقت امریکا را وادار به خروج از ویتنام کرده و سبب توقف جنگ گردیده است. در کشور ما هم می‌توان با فشار بر بالای جنگ طلبان به ایجاد صلح در کشور کمک کرد. و راه دیگری که می‌تواند از جنگ و خشونت گرایی جلوگیری کند تعمیم فرهنگ صلح است که فرهنگ صلح می‌تواند در تامین صلح و امنیت نقش اساسی خود را داشته باشد. به خصوص در جوامع گرفتار جنگ های طولانی که در چنین جوامع تعمیم فرهنگ صلح در اولویت کاری همگانی می‌بایست قرار داشته باشد و تمام منابع و امکانات باالقوه و باالفعل موجود در کشور جهت تحقق صلح و آشتی به کار گرفته شود و حتا در مؤسسات تعلیمی و آموزشی (مکاتب و مدارس) مضمونی درسی به نام (مبانی صلح) در نصاب تعلیمی مکاتب و مدارس گنجانیده شود. تا فرهنگ صلح و آشتی همه جانبه تعمیم یافته و فرهنگ جنگ و منازعه به تدریج کاهش پیدا کند و جای خود را به فرهنگ صلح و آشتی بدهد و علماء دینی در این مسیر می توانند نقش اساسی داشته باشند. و هر قدر سرمایه گذاری هم اگر در این زمینه صورت گیرد به هدر نخواهد رفت و اثرات مثبت خود را می تواند به جای گذارد. زیرا جنگ پدیدهٔ شوم و ناميمون است که از جمله بدترین اختراعات انسانی است که به کرامت ذاتی انسان سازگاری ندارد. جنگ زندگی انسان را نابود کرده دنیا را برای او جهنم می‌سازد. فکر و اندیشهٔ انسان را منقلب گردانیده و انسان را به ستیزه جویی و انتقام گیری بیشتر وا میدارد. طوری که روان فرد و جامعه را منقلب ساخته درست را نادرست و نادرست را درست می نمایاند. اثرات منفی جنگ حتی ارزش‌های انسانی و معنوی را کم رنگ ساخته فکر و اندیشهٔ انسان را به انحراف می‌کشاند. انسانی که تا دیروز همنوعان خویش را به دیدهٔ قدر می نگریست، امروز به واسطهٔ جنگ از همه وجودش تنفر و انتقام گیری به مشام می رسد. همنوائی، انسانی دوستی، غم شریکی، برادری، هموطنی، همه و همه به فراموشی سپرده شده و به جز از انتقام گیری و ادامهٔ جنگ و خون ریزی بیشتر، به چیز دیگری فکر کرده نمی‌تواند لذا ایجاب می کند تا فرهنگ صلح طور جدی در جامعه همگانی شود تا همه زوایای تاریک و دور افتادهٔ کشور. از این نغمهٔ روح پرور و دلنواز مستفید شوند و عملاً به مراکز تعلیمی و تربیوی مراجعه شده و از آنجا کار آغاز گردد تا نسل جوان کشور که در هر دو طرف جنگ قربانیان اصلی جنگ هستند، بتوانند از مزایای صلح همگانی بهره مند گردند تا بدین وسیله از حس انتقام گیری و تنفر کاسته شده و حس خوشبینی و مدارا گری جایگزین آن گردد و از اعمالی که باعث برانگیخته شدن احساسات و جریحه دار شدن اعتقادات مردم می شود طور جدی پرهیز گردد و از مبانی اخلاقی و دینی دین مقدس اسلام که دین صلح و برادری است طور کامل استمداد جسته شده چه در دین مقدس اسلام رفتار نیکو با دیگران و همزیستی مسالمت آمیز و زندگی در صلح و آرامش اصل و اساس زندگی بشری را تشکیل داده، جنگ و درگیری حالت غیر طبیعی و عارضی بین انسان ها به حساب می رود و آنهانی که از اسلام صرف جنگ و خصومت را درک و برداشت می نمایند در حقیقت اسلام را درست نشناخته اند زیرا از نظر اسلام طوری که گفتم هیچ زیبایی و حسن ذاتی برای جنگ وجود ندارد و در جایی اگرجنگ مشروعیت پیدا می کند فقط به واسطهٔ دفع و رفع ظلم و تجاوز بوده، نه به واسطهٔ تعدی و ستم به دیگران. زیرا صلح و زندگی مسالمت آمیز حالت اصلی زندگی انسانی را تشکیل داده و زمینه ساز توسعه و همکاری و تساند اجتماعی بین انسان ها می گردد و در سایهٔ صلح می توان بهتر زمینه همکاری بیشتر و نوع دوستی عمیق و واقعی‌تری را بین انسان ها ایجاد کرد. لذا به صراحت گفته می توانیم که از نظر اسلام زندگی صلح آمیز و همزیستی مسالمت آمیز اصل و اساس زندگی بشری را تشکیل داده و از اهداف اصلی آن است. زیرا در سایهٔ صلح بهتر می توان پایه های مهر و محبت و نوع دوستی بشری را اساس گذاشت و جهان عاری از جنگ و خشونت را با همکاری یگدیگر ساخت.

ماجرای یک...

آن به سلاحی به منظور هدف قراردادن هلیکوپتر درحال پرواز دشوار است. بنا بر احصائیه ها از آغاز سال جاری میلادی تا کنون بیش از بیست طیارهٔ خارجی و افغان در نقاط مختلف افغانستان سقوط کرده اند که در هر یک از این موارد، طالبان مسوولیت سقوط را به عهده گرفته اند اما خارجی ها این سقوط ها را ناشی از نقص تخنیکی در طیارات دانسته اند. این اولین باری است که امریکائی ها اعتراف می کنند طالبان در سقوط این هلیکوپتر دست داشته اند.

افغانستان کشوری کوهستانی است و انتقال سربازان خارجی از یک منطقه به منطقهٔ دیگر از راه زمین بسیار دشوار است. برای جلوگیری از تلفات ناشی از کمین طالبان و ماین های کنار جاده، نیروهای خارجی مجبور اند تا از هلیکوپتر به عنوان یگانه وسیلهٔ مطمئن برای انتقال نیرو و تجهیزات استفاده کنند که هلیکوپتر شینوک در افغانستان در این رابطه زیاد مورد استفاده بوده است.

از نظر مشخصات تخنیکی، شینوک هلیکوپتری است سنگین وزن و با قدرت مانور کم. حدود سه تن وزن دارد و وقتی افراد و وسایل نظامی را انتقال بدهد، وزن آن به پنج تن می رسد. این هلی کوپتر در دوران جنگ ویتنام ساخته شد و از آن به بعد همگام با تغییر تکنالوژی، اصلاحاتی در آن بمیان آمد از جمله به وسایل الکترونیک هوشدار دهنده مجهز شد که از نزدیک شدن راکت حرارت یاب به عملهٔ پرواز خبر می دهد و وسایلی برای دفع موشک در اختیار دارد.

تاکنون تعدادی از این طیارات شینوک که خیلی هم گرانقیمت است در افغانستان سرنگون شده و اگر واقعا سقوط این طیارات ناشی از نقص تخنیکی بوده باشد، نشان از عدم هماهنگی سیستم این هلیکوپترها با شرایط جغرافیائی افغانستان دارد.

نیروهای اتحاد شوروی در جنگ افغانستان در دههٔ هشتاد میلادی هلیکوپتر جدید MI-۵ را به استفاده گرفتند که مطابق به شرایط اراضی افغانستان ساخته شده بود. این هلیکوپترها در وارد آوردن ضربه به نیروهای مجاهدین تا سال ۱۹۸۶ بسیار موثر بود اما در این سال امریکا با دادن سلاح استینگر به مجاهدین، به سیطرهٔ نیروهای هوائی ارتش سرخ بر فضای افغانستان پایان داد. اکنون به نظر می رسد که امریکا در جنگ افغانستان به مشکلی که خود برای نیروهای هوائی ارتش سرخ به وجود آورده بود، مواجه شده است.

شکی نیست که از مدتی به اینطرف طالبان به سلاح ضد هوائی دست یافته اند و حتی در کلپ های تصویری ازعملیات خویش به نمایش راکت های ضد هوائی سام هفت پرداخته اند. این مسئله از دید امریکائی ها پنهان نبوده است اما برای اینکه روحیهٔ سربازان خود را تضعیف نکرده باشند، از اعتراف به این حقیقت خودداری می کردند. این پنهان کاری نظامیان امریکائی در بی احتیاطی سرنشینان هلیکوپتر سرنگون شده در ولسوالی سیدآباد وردگ بی تاثیر نبوده است که هلیکوپتر شینوک را که بیشتر برای حمل ونقل سربازان و وسایل آنان تا نزدیکی محل جنگ است، به منطقهٔ جنگی بردند و آنرا در تیررس طالبان قرار دادند.

از آنجائی که نظامیان خارجی تاکنون برای حمل نقل نفرات و تجهیزات بیشتر به هلیکوپتر متکی اند، از این به بعد شاید آنان در استفاده از هلیکوپتر با احتیاط بیشتری عمل کنند. این مسئله می تواند عملیات شبانهٔ امریکائی ها را تا حدی کاهش بدهد. (روسها بعد از مجهز شدن مجاهدین به استینگر، از راکت های میان برد لونا و اسکاد علیه مجاهدین استفاده می کردند).

اما این ماجرا می تواند عواقب ناگواری هم برای غیرنظامیان در قبال داشته باشد به این معنی که بعد از این نیروهای امریکائی شاید بیشتر از بمباران به وسیلهٔ طیارات جنگی علیه مواضع طالبان استفاده نمایند و یا ترجیح بدهند تا از سلاح های دوربرد و سنگین استفاده کنند که چنین علمیاتی موجب بیشتر شدن تلفات غیرنظامیان خواهد گردید.

در شرایطی که امریکا قصد دارد تا در افغانستان پایگاه نظامی دایمی داشته باشد که بیشتر پایگاه هوائی خواهد بود، سقوط این هلیکوپتر هوشداری به امریکاست که باید در این تصمیم خود تجدید نظر کند.

روژه د نفس د تزکیې...

پیداکولو او بندګی کولو روحیه پیاوړي کوي او د نفس د غوښتنو څخه د خلاصون لیار ورښایي او د یوې میاشتې دغه تربیتي کورس له پوره کیدو وروسته مسلمان ته دومره ایماني قوت وربخښي چې د بل کال تر راتګه پورې ورڅخه انسان معنوي انرژي اخلي او د الهي حکمونو څخه د پېروۍ په لیارې برابر ساتي، له همدې امله د اسلام پیغمبر د روژې د مبارکې میاشتې لومړنۍ لس ورځې د رحمت ورځې بللې او ورپسې لس ورځې یې د ګناهونو څخه د بخښې او وروستۍ ورځې د جهنم له اور څخه د خلاصون ورځې ګڼلي، ځکه لومړنۍ لس ورځې د ورپسې ورځو لپاره لکه د یو تعلیمي نظام لومړنۍ دوره او منځنۍ او وروستۍ دورې دي چې مخکینۍ د ورپسې او وروستۍ ورځو لپاره مقدمه ده او اړینې ګڼل کیږي.

خو انسان هغه وخت د دغې مبارکې میاشت اغیز په خپل ځان کې لیدلي شي چې د روژې معنا په خپل ځان کې پیداکړي یعنې دا چې روژه یوازې د خوراک او څښاک څخه دځولې د بندولو نوم ندی بلکې روژه له انسان څخه غواړي چې د روژې په میاشت کې لکه له خوراک او څښاک څخه باید ځان وساتي په همدې توګه باید د ناروا او وینا، بیهوده او پوچو خبرو او هر هغه ناروا عمل او کړنې څخه ځان وژغوري چې اسلام ناروا کړي او مسلمان یې ورڅخه په خان ژغورلو مکلف ګرځولی دی.

لکه درواغ ویل غیبت او چغلی کول، ښکنځل او خلکوته بدویل، له مسلمانانو سره دښمني او جګړه کول، کینه لرل او خیانت او غلا کول او د ناروا آوریدل او د حرامو د مرتکب کېدو په محافلو او مجلسونوکې ګډون کول او داسې نورو ټولو ناروا کړنو څخه د ځان ژغورلو عمل ته روژه وایي.

نو الله جل جلاله دې وکړي چې مونږ مسلمانانو د روژې مفهوم وپیژنو او په ریښتوني معنا روژه نیوونکي وګرځو څو د دغې سترې فریضې نفسي او ټولنیزې آغیزې زمونږ په خپل ذات او خویونوکې موجودشي او په نظر راشي او دغه میاشت د مسلمان جوړیدنې یوعملي کورس وګڼو چې په رښتیا کې راتلونکی ټول کال خپل ژوند برابر کړو او هغو حکمتونو او هدفونو ته خانونه ورسوو چې د روژې د فریضې ترشا الله جل جلاله ګرځولي او د هغو د تحقق لپاره یې روژه فرض ګرځولې ده؟ ځکه زمونږ روژه دغه فلسفه او حکمتونه لاسته رانه وړي نو بیا هسې خولې ته دکوری اچولو اړتیا نشته او الله جل جلاله دغه ډول عمل ته ثواب هم نه ورکوي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ نزدهم ۲۲ اسد ۱۳۹۰ ۱۳ رمضان المبارک ۱٤۳۲ - 13 August 2011

آخند زاده

روژه د نفس د تزکیې میاشت



د اسلام دسپیڅلی دین ټول احکام او تعلیمات د انسان جوړوني هغه اصول دي چې په پرکتدمې انسان له مادي وجود څخه په یو معنوي مخلوق بدلوي او په انسان کې د الله د بندګی، انسان دوستی او خواخوږی د پیداکولو لپاره ستري اغیزی پریږدي. چې د دغو عباداتو او اسلامي ارکانو څخه روژه هغه عبادت دی چې د انسان جوړوني او د پورته یادوشوو اهدافو د لاسته راوړلو لپاره یو مؤثر عملی کورس او مدرسه ده، ځکه هر کله چې یو مسلمان د الهي حکم پر بنیاد پوره یوه میاشت هره ورځ د سهار له سپیده داغ څخه د لمر تر ډوبیدو (ماښام) پورې ځان له خوراک، څښاک او جنسي غریزې له پوره کولو څخه بندو ساتي او سره ددې چې په کورکې یې دغه ګردواړه سهولتونه او ستر نعمتونه موجود اوسي خو د الله د حکم د پیروی پر بنیاد ورڅخه ګټه نه پورته کوي نو دغه عمل د انسان نفس پاکوي او روح یې تغذیه کوي، ځکه د انساني غرایزو ډیرښت او وده هغه وخت صورت مومي چې انسان په ګیډه موړ او د ژوند له خوراکي نعمتونو څخه پریمانه استفاده کوي او چې کله انسان د خوراک او څښاک دغه عملیه په یو ځانګړي رژیم وګرځوي او خپل خوراک او څښاک او... تر ماښامه پورې پریږدي نو د انسان روحي پیاوړی کیږي او مادي رنګ یې د معنوي رنګ تر اغیز لاندې راځي او د ملایکو په څیر د بندګی روحیه یې ځانګړنه ګرځي هغه مخلوق چې د ژوند هره لحظه یې د الله بندګي ده او له مادي تمایلاتو څخه خلاص مخلوق دی.

دا چې اسلام خپلو پیروانو ته د شهواني غریزې له غالیوالي څخه د خلاصون لپاره د روژې نیولو سپارښتنه کوي او په حدیث شریف کې راځي چې څوک چې د نکاح د غوښتنو توان ولري نو باید نکاح وکړي او که پرې قادر نشي نو بیا دې روژه ونیسي دا دې لپاره ده چې د روژه ي په نیولو سره انسان د نفس له بندګی څخه او د شهواني غریزې له غالبیدو څخه خلاصیږي چې د ګیډې ډکوالي او په پریمانه توګه خوراک او څښاک یې ډیروي نو اسلام د همدغه حکمت له مخې د روژې د نیولو حکم کوي او کامل کې یوه میاشت فرضي روژه هغه غوره تربیتي کورس دی چې په مسلمان کې د الله جل جلاله سره د اړیکو د ۷مخ

بسم الله محمدی وزیر داخلهٔ کشور در مجلس سنا:



تا اخیر امسال، کمپنی های امنیتی خصوصی لغو خواهد شد

※ فیض ※

وزیر داخله آقای بسم الله محمدی که هفتهٔ گذشته به مجلس سنای کشور خواسته شده بود تا در بارهٔ وضعیت امنیتی کنونی کشور معلومات ارائه دارد، در ارتباط کمپنی های خصوصی به سناتوران گفت که، تاکنون ۵۴ کمپنی خصوصی امنیتی که تعدادشان از مقام‌های ارشد دولتی بود، لغو شده است و تا پایان سال‌روان تمام کمپنی‌های خصوصی منحل می‌شوند.

آقای محمدی گفت، ۴۶ کمپنی امنیتی هنوز هم فعالیت دارند و با آموزش پولیس ویژه برای تامین امنیت موسسات خارجی و نهادهای کمک‌کنندهٔ بین‌المللی، تا شش ماه دیگر کمپنی های یاد شده در چارچوب وزارت داخله قانونمند می‌شوند.

وزیر داخله گفت، ۳۶ کمپنی که تخلفات قانونی را انجام داده بودند، مجازات شدند و دو میلیارد افغانی از این بابت به اختیار حکومت قرار گرفته است.

به گفتهٔ وزیر داخله، هفت هزار جنگ افزار سبک را از کمپنی‌های امنیتی خصوصی به دست آورده اند و از لغو کامل کمپنی‌های خصوصی امنیتی تا پایان سال روان به سناتوران اطمینان داد.

وزیر داخله به نمایندگان مجلس سنا اطمینان داد که تا ختم این سال به خواست خداوند، در صورتی که مشکلی پیش نشود هیچ کمپنی خصوصی دیگری نخواهد بود و همه قانونمند می شوند و افراد آن در چهارچوب پولیس ملی جذب خواهند شد.

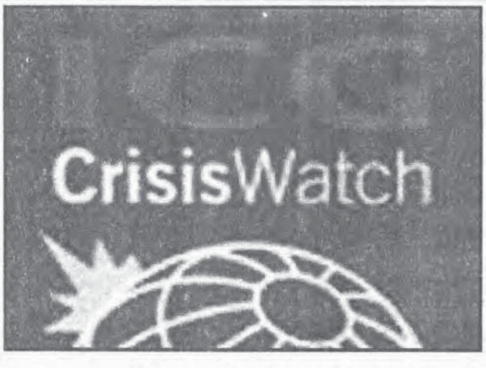
درست یک سال پیش، آقای حامد کرزی رئیس جمهور کشور طی فرمانی، لغو کمپنی های امنیتی را صادر و چهار ماه وقت داد تا این کمپنی ها لغو و سلاح و مهمات شان تسلیم دولت و کارمندان شان به نیروهای امنیتی جذب شوند. که در مادهٔ اول این فرمان چنین آمده بود:

« با تأسی از حکم فقره‌های ۳ و ۴ ماده ۶۴ و صراحت بند اول ماده ۶۶ قانون اساسی افغانستان و به منظور مبارزه علیه فساد، تامین مطمئن امنیت جان، مال و نوامیس شهروندان و جلوگیری از بی‌نظمی‌های امنیتی و سوءاستفاده از اسلحه، لباس و تجهیزات نظامی توسط موسسات امنیتی خصوصی که سبب حوادث دل‌خراش و غم‌انگیز گردیده‌اند، بعد از ارزیابی‌های لازم و قانونی انحلال کامل موسسات امنیتی خصوصی اعم از داخلی و خارجی را در خلال مدت چهار ماه طی مراتب آتی منظور می‌نمایم.»

در حالی که این فرمان آقای کرزی مورد استقبال مردم به خصوص باشندگان شهر کابل قرار گرفت اما امریکا ادامهٔ فعالیت شرکت های امنیتی خصوصی در افغانستان را ضرورت زمان دانست.

با تنش ها و چالش ها و قانون شکنی هایی که در این کشور وجود دارد، به آنچه تعهد و پیش بینی می شود، اکثراً جامهٔ عمل نمی پوشد، آنچه را که رئیس جمهور چهارماه ضرب الاجل تعیین کرده بود به گفتهٔ وزیر داخله یک سال و نیم را دربر می گیرد، که این گفته هم نهایی نخواهد بود.

افغانستان پس از سال ۲۰۱۴



در گزارش گروه بحران بین المللی

تکساری

تصویر افغانستان پس از سال ۲۰۱۴م، امروز مورد بحث و کنکاش حلقه های سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج کشور می باشد. جای دارد که روی یک تصویر واقعی افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی پرداخت.

باید بپذیریم که شیوه های فعلی مدیریت دولتی یا به سخن دیگر، شیوه های فعلی حکومت داری، پاسخگوی نیازمندی های اداری و مدیریتی بعد از سال ۲۰۱۴م بوده نمی تواند. باید تغییرات مفیدی در این شیوه مدیریتی ایجاد گردد؛ زیرا پایان این حکومت، پایان انتقال مسوولیت های امنیتی، می تواند به مثابه یک چالش بزرگ در برابر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴م قرار گیرد. روند دولت سازی، ملت سازی و دموکراسی را در کشور با مشکل مواجه سازد. ایجاب می نماید که همین اکنون پیرامون توزیع قدرت میان جناح های مختلف سیاسی در دولت جایگزین، به صورت دقیق طرح ریزی گردد، تا مبادا دچار اشکال و بحران های اضافی در کشور گردد. باید میان تناسب قدرت، توزیع قدرت در میان عناصر مختلف به صورت منطقی فکر کرد. این گونه بحث ها و پاسخ این پرسش ها همگی تاثیر مستقیم بر افغانستان بعد از انتقال دارد. توان مندی مدیریت کشور پس از انتقال و ساز گاری با شرایط جدید از موضوعات مهم کشوری خواهد بود.

شرایط و اوضاع منطقه و جهان ایجاب می کند که افغانستان حالت سال ۱۹۸۹م را پس از خروج قوت های خارجی (اتحادشوروی) وقت را به خود نگیرد؛ زیرا وقتی روس ها افغانستان را ترک نمودند این کشور به فراموشی سپرده شد.

امروز بیم آن وجود دارد که در صورت فراموشی افغانستان دو باره به سال های قبل باز گردد و کشورهای طماع و آزمند به سرنوشت افغانستان، این کشور را به گرداب های بحران مواجه سازد. ما نیاز داریم که پس انتقال به مثابه یک حوزه قدرت، ثروت یا دانش و تجربه دنیا در یک هماهنگی زندگی نماییم، تجرید از دنیا در حقیقت آغاز یک جنگ داخلی است؛ زیرا مخالفان دولت هدف شان در انزوا زندگی کردن است، نه در یک تفاهم جهانی.

روی یک چنین دشواری ها آخیراً گروه بین المللی بحران که یک سازمان مستقل، غیر انتفاعی و بین المللی می باشد و با داشتن بیش از ۹۰ عضو در پنج قارهٔ جهان از طریق تحلیل مستقیم اوضاع و مطرع کردن آن در سطوح مختلف، گزارش های خود را در باره کشورها و دولت ها تهیه می دارد. این گروه بحران که مقر آن در بروکسل قرار دارد در تازه ترین گزارش خود اوضاع و احوال پس از سال ۲۰۱۴ م را در افغانستان به نشر سپرده است.

درین گزارش از وقوع احتمالی یک جنگ داخلی در افغانستان هشدار می دهد که با وجود نیروهای نظامی سنگین امریکا و اروپا پس از یک دهه، نه توانسته است ثبات، استقرار و یک مدیریت سالم را به وجود آورد؛ بنا برین این احتمال وجود دارد که پس از پایان مسوولیت اوضاع به سال های قبل از ۲۰۰۱ م باز گردد.

گروه بحران مقاومت و نبرد مردم افغانستان را مثال می آورد که با وجود قربانی های مردم افغانستان در برابر اتحاد شوروی وقت، به خاطر استقلال و آزادی، پس از شکست این ص۶